

محمد بن عبد الله
البربر

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به همراه

نظرات تفسیری، مشورتی و... شورای نگهبان

(۱۳۵۹-۱۳۹۶)

مستقل بر

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با اصلاحات ۱۳۶۸)

کلیه نظریه های تفسیری و مشورتی شورای نگهبان از اصول قانون اساسی

کلیه نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی

کلیه تذکراتی ارشادی و قانونی شورای نگهبان به نهادهای شخصیت های مخصوص اصول قانون اساسی

گزیده ای از مهم ترین نظرات شرعی قضای شورای نگهبان در راستای اعمال اصل (۴) قانون اساسی

پژوهشکده شورای نگهبان

سرشناسه: فتحی، محمد، ۱۳۶۰-

عنوان و نام پدیدآور: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و... شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶)/ تهیه و تنظیم: محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی
مشخصات نشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶-
ISBN: 978-600-8378-16-7 ۶۳۰ ص.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: ایران، قانون اساسی (جمهوری اسلامی)

شناسه افزوده: الف. کوهی اصفهانی، کاظم، ۱۳۵۸- ب. شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان

ج. شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان

رده‌بندی دیویی: ۳۴۲/۵۵۰۲۳

رده‌بندی کنگره: ۱۳۶۸ م/۶۴/۲۰۶۴ KM

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۲۷۲۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و... شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶)

تهیه و تنظیم: محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

تابستان ۱۳۹۶ - تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۱۶-۷

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

تهران: خیابان شهید سپهد قرنی، کوچه شهید دهقانی‌نیا، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

بخش اول: قانون اساسی ۷

مقدمه ۹

فصل اول- اصول کلی ۱۷

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور ۲۱

فصل سوم- حقوق ملت ۲۲

فصل چهارم- اقتصاد و امور مالی ۲۶

فصل پنجم- حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن ۳۰

فصل ششم- قوه مقننه ۳۱

فصل هفتم- شوراها ۴۰

فصل هشتم- رهبر یا شورای رهبری ۴۲

فصل نهم- قوه مجریه ۴۶

فصل دهم- سیاست خارجی ۵۶

فصل یازدهم- قوه قضائیه ۵۷

فصل دوازدهم- صدا و سیما ۶۲

فصل سیزدهم- شورای عالی امنیت ملی ۶۲

فصل چهاردهم- بازنگری در قانون اساسی ۶۳

بخش دوم: اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان ۶۵

اصل چهارم ۶۷

- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۶۷

- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۶۹

- تذکرها و ارشادهای قانونی شورای نگهبان ۸۰

- نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان در راستای اعمال اصل (۴): ۸۴

اصل بیست و دوم ۱۲۰

- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۲۰

- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۲۱

اصل بیست و چهارم ۱۲۴

- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۱۲۴
- اصل بیست و هفتم ۱۲۵
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۲۵
- اصل سی ام ۱۲۶
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۲۶
- اصل سی و پنجم ۱۳۳
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۳۳
- اصل سی و ششم ۱۳۵
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۳۵
- اصل چهل و سوم ۱۳۶
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۳۶
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۳۷
- اصل چهل و چهارم ۱۴۰
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۴۰
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۴۶
- اصل چهل و پنجم ۱۵۴
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۵۴
- اصل چهل و هفتم ۱۵۶
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۵۶
- اصل چهل و نهم ۱۵۷
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۵۷
- اصل پنجاه و دوم ۱۵۸
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۵۸
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۶۴
- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۱۶۷
- اصل پنجاه و سوم ۱۷۰
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۷۰
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۷۰
- اصل پنجاه و پنجم ۱۷۵
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۱۷۵

ج	۱۷۶	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۷۸	اصل پنجاه و هفتم
	۱۷۸	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۱۷۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۸۹	اصل پنجاه و هشتم
	۱۸۹	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۱۸۹	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۹۰	اصل پنجاه و نهم
	۱۹۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۱۹۱	اصل شصتم
	۱۹۱	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۱۹۳	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۹۴	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
	۱۹۵	اصل شصت و یکم
	۱۹۵	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۱۹۶	اصل شصت و سوم
	۱۹۶	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۹۷	اصل شصت و چهارم
	۱۹۷	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
	۱۹۸	اصل شصت و پنجم
	۱۹۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۹۹	اصل شصت و هفتم
	۱۹۹	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
	۱۹۹	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
	۲۰۱	اصل شصت و نهم
	۲۰۱	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۲۰۷	اصل هفتادم
	۲۰۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
	۲۱۱	اصل هفتاد و یکم
	۲۱۱	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۱۲
- اصل هفتاد و سوم ۲۱۳
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۱۳
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۱۵
- اصل هفتاد و چهارم ۲۴۲
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۴۲
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۴۲
- اصل هفتاد و پنجم ۲۴۵
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۴۵
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۵۶
- اصل هفتاد و ششم ۲۵۸
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۵۸
- اصل هفتاد و هفتم ۲۶۴
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۶۴
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۷۲
- اصل هشتادم ۲۷۷
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۷۷
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۸۱
- اصل هشتاد و یکم ۲۸۴
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۸۴
- اصل هشتاد و دوم ۲۹۴
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۹۴
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۹۵
- اصل هشتاد و چهارم ۲۹۷
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۹۷
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۹۷
- اصل هشتاد و پنجم ۲۹۸
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۲۹۸
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۳۰۹
- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۳۰۹

۳۱۴	اصل هشتاد و ششم
۳۱۴	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۲۰	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۲۴	اصل هشتاد و هشتم
۳۲۴	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۳۳	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۳۴	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۳۳۵	اصل هشتاد و نهم
۳۳۶	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۳۷	اصل نودم
۳۳۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۳۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۴۰	اصل نود و یکم
۳۴۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۴۳	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۴۷	اصل نود و چهارم
۳۴۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۴۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۵۵	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۳۶۶	اصل نود و پنجم
۳۶۶	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۳۶۷	اصل نود و ششم
۳۶۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۷۰	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۷۱	اصل نود و هفتم
۳۷۱	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۷۳	اصل نود و هشتم
۳۷۳	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۷۳	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۷۴	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان

۳۷۶	اصل نود و نهم
۳۷۶	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۷۷	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۸۰	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۳۸۹	اصل یکصدم
۳۸۹	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۹۲	اصل یکصد و دوم
۳۹۲	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۳۹۳	اصل یکصد و هشتم
۳۹۳	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۹۵	اصل یکصد و دهم
۳۹۶	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۰۰	اصل یکصد و یازدهم
۴۰۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۰۱	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۰۲	اصل یکصد و دوازدهم
۴۰۲	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۰۷	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۴۰۸	اصل یکصد و سیزدهم
۴۰۸	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۱۱	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۱۸	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۴۳۵	اصل یکصد و هفدهم
۴۳۵	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۳۷	اصل یکصد و بیست و یکم
۴۳۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۳۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۳۹	اصل یکصد و بیست و سوم
۴۳۹	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

۴۴۰	اصل یکصد و بیست و چهارم
۴۴۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۴۲	اصل یکصد و بیست و پنجم
۴۴۳	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۴۷	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۵۰	اصل یکصد و بیست و هشتم
۴۵۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۵۵	اصل یکصد و بیست و هفتم
۴۵۵	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۶۰	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۷۰	اصل یکصد و بیست و هشتم
۴۷۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۷۱	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۷۲	اصل یکصد و سی ام
۴۷۲	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۷۴	اصل یکصد و سی و یکم
۴۷۴	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۷۴	اصل یکصد و سی و سوم
۴۷۵	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۷۷	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۸۱	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۴۸۲	اصل یکصد و سی و چهارم
۴۸۲	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۴۸۷	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۴۸۹	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۴۹۰	اصل یکصد و سی و پنجم
۴۹۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۵۰۰	اصل یکصد و سی و هشتم
۵۰۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۵۰۲
- اصل یکصد و سی و هفتم ۵۰۳
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۰۳
- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۵۰۴
- اصل یکصد و سی و هشتم ۵۰۵
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۰۵
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۳۰
- اصل یکصد و سی و نهم ۵۳۶
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۳۶
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۴۹
- اصل یکصد و چهارم ۵۵۵
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۵۵
- اصل یکصد و چهل و یکم ۵۵۸
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۵۸
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۷۲
- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۵۷۶
- اصل یکصد و چهل و چهارم ۵۷۷
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۷۷
- اصل یکصد و چهل و پنجم ۵۷۹
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۷۹
- اصل یکصد و پنجاه و ششم ۵۸۱
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۸۱
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۸۵
- اصل یکصد و پنجاه و هفتم ۵۸۶
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۸۶
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۸۶
- اصل یکصد و پنجاه و هشتم ۵۸۶
- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۵۸۷
- اصل یکصد و پنجاه و نهم ۵۹۵
- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۵۹۵

۶۰۰	اصل یکصد و شصتم
۶۰۰	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۰۴	اصل یکصد و شصت و یکم
۶۰۴	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۰۸	اصل یکصد و شصت و چهارم
۶۰۸	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۱۰	اصل یکصد و شصت و هفتم
۶۱۰	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۶۱۱	اصل یکصد و هفتادم
۶۱۱	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۱۴	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۶۱۸	اصل یکصد و هفتاد و دوم
۶۱۸	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۶۲۱	اصل یکصد و هفتاد و سوم
۶۲۲	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی
۶۲۵	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۶۲۶	اصل یکصد و هفتاد و چهارم
۶۲۶	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۲۶	- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان
۶۲۷	اصل یکصد و هفتاد و پنجم
۶۲۷	- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان
۶۳۰	- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی



پیشگفتار

قانون اساسی هر کشور، بنیادین‌ترین قانون آن کشور و پایه ثبات سیاسی و حقوقی آن سرزمین است که هنجارهای حقوقی برتر و اساسی آن جامعه‌ی سیاسی را در خود جای داده است. از این رو، تغییر و اصلاح آن غالباً سخت و مستلزم طی‌شدن فرایندی پیچیده و طولانی است. از طرفی، قانون اساسی هم مانند هر قانون بشری دیگر، عاری از عیب و نقص نیست و در عین حفظ ثبات این قانون، باید برای رفع نقص‌ها، برطرف کردن ابهامات احتمالی آن و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی جامعه چاره‌اندیشی کرد. راهکاری که در اغلب کشورها در جهت حل این مشکل پیش‌بینی شده، استفاده از ابزار «تفسیر» است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان که بر طبق قانون

اساسی صلاحیت‌ها و وظایف مختلفی برعهده دارد، به‌عنوان مفسر رسمی قانون اساسی معرفی شده است. اصل (۹۸) قانون اساسی در این باره مقرر داشته است: «تفسیر قانون اساسی به‌عهده‌ی شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.» در همین راستا، از ابتدای تشکیل شورای نگهبان، به‌طور پیوسته و البته با فراز و نشیب‌هایی، این شورا نظراتی را در تفسیر اصول قانون اساسی ابراز داشته است که به‌عنوان «نظر تفسیری» شناخته می‌شوند. البته بر طبق مقررات،^۱ تعداد محدودی از مقامات این امکان را دارند که از شورای نگهبان درخواست تفسیر قانون اساسی را داشته باشند.

در کنار این نظرات، پاره‌ای دیگر از نظرات که واجد رأی اکثریت اعضای وقت شورای نگهبان بوده، لیکن اکثریت سه‌چهارم اعضای شورای نگهبان را کسب نکرده‌اند، به «نظر مشورتی» شهرت یافته‌اند که برای راهنمایی در موضوع تفسیر و کمک به نهادهای مختلف ارائه شده‌اند. همچنین شورای نگهبان -به‌ویژه در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب اسلامی- به‌طور ارشادی و در جهت پاسداری از قانون اساسی تذکراتی را به نهادها و شخصیت‌ها داده است و در مقابل، اشخاص حقیقی و حقوقی در موضوعات مربوط به قانون اساسی استعلاماتی را از شورای نگهبان داشته‌اند که شورای نگهبان بر مبنای اصول قانون اساسی، نظراتی را در

۱. مطابق ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹ «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.»

پاسخ به آنها اعلام کرده است. در راستای اعمال نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان (مذکور در اصل (۴) قانون اساسی)، فقهای عضو این شورا نظراتی در خصوص اصول قانون اساسی یا قوانین و مقررات لازم‌الاجراء در کشور از حیث مغایرت یا عدم مغایرت آنها با موازین شرعی ابراز کرده‌اند. پژوهشکده‌ی شورای نگهبان به‌عنوان بازوی پژوهشی این شورا، با توجه به نقش مهم نهاد شورای نگهبان در امر تفسیر قانون اساسی، کلیه‌ی نظرات تفسیری و مشورتی از اصول قانون اساسی، کلیه‌ی نظرات ابرازی در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز کلیه‌ی تذکرات شورای نگهبان به نهادها و شخصیت‌ها در ارتباط با اصول قانون اساسی و گزیده‌ای از مهم‌ترین نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان که در راستای اعمال اصل (۴) ارائه شده را در مجموعه‌ی حاضر جمع‌آوری کرده است تا مجموعه‌ی این نظرات به‌نحو مناسبی دست‌یافتنی باشد. بر این اساس، در این مجموعه سعی شده است نظرات مذکور به‌صورت کامل و جامع به مخاطبان ارائه شود. مجموعه‌ی حاضر ویژگی‌هایی دارد که توجه به آن در استفاده‌ی بهینه از این مجموعه ضروری است:

۱. از ویژگی‌های شاخص این مجموعه، ذکر همه‌ی نظرات شورای نگهبان در خصوص اصول قانون اساسی در مجموعه‌ای واحد است که از این جهت این مجموعه بدیع و نوآورانه محسوب می‌شود و به مخاطب این فرصت را می‌دهد تا همه‌ی این نظرات را به‌صورت یکجا و هم‌زمان در نظر بگیرد و در عین حال، برای پژوهشگران و قانون‌گذاران نیز این

امکان را فراهم می‌کند تا بتوانند به سهولت این نظرات را در دسترس داشته باشند.

۲. در هنگام درج نظرات شورای نگهبان در این مجموعه، تطبیق متون نظرات با اسناد مکتوب موجود وجهی همت قرار گرفته است تا اثری با بیشترین دقت و اتقان ممکن در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

۳. در مجموعه‌ی حاضر، نکاتی از جمله سوابق موضوع که می‌تواند به فهم بیشتر موضوع کمک کند در پانویست بیان شده است.

در خصوص ساختار کتاب نیز باید به این نکته اشاره شود که این مجموعه در دو بخش سازمان‌دهی شده است:

بخش اول، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بخش دوم، قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظرات شورای نگهبان. در بخش اول، به جهت سهولت دسترسی مخاطبان به متن قانون اساسی، صرفاً متن مقدمه و اصول این قانون بدون هیچ توضیح و تفصیلی به صورت یکجا آمده است. در این بخش، متن بازنگری‌شده‌ی اصول قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، به عنوان متن مبنا ذکر شده است و متن سابق اصل‌ها، حسب مورد در پاورقی آمده است. در بخش دوم، تک‌تک اصول قانون اساسی که شورای نگهبان راجع به آنها نظری ابراز داشته است، به صورت مجزا آورده شده و در ذیل آن، الف) کلیه‌ی نظریه‌های تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، ب) کلیه‌ی نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی و ج) کلیه‌ی تذکرات ارشادی و قانونی شورا به نهادها و شخصیت‌ها، حسب مورد (در صورت ابراز نظر در خصوص

آن موضوع از سوی شورای نگهبان) آمده است. علاوه بر سه موضوع فوق، در ذیل اصل (۴) قانون اساسی، گزیده‌ای از مهم‌ترین نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان که در راستای اعمال اصل (۴) قانون اساسی راجع به قوانین و مقررات لازم‌الاجرا در کشور ارائه شده نیز به تفکیک و به ترتیب تقدم تاریخی صدور آنها، ذکر شده است.

امید است مخاطبان گرامی با ارائه‌ی نظرات خود در خصوص این مجموعه و سایر مجموعه‌هایی که پژوهشکده‌ی شورای نگهبان در راستای رسالت خود منتشر می‌کند، ما را در عمل به وظایف خود یاری فرمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

پژوهشکده شورای نگهبان

تابستان ۱۳۹۶

بخش اول
قانون اساسی



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد).

طلیعه نهضت

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبح‌خانه‌ترین اقدامات ددمشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید. بیانی‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت. در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم

بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۵۶ از طرف رژیم حاکم، این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند؛ اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طیش‌های پی‌درپی انقلاب در هفته‌ها و چهل‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ، حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و

قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ، طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی، تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت. اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در

گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (إن هذه أمتكم أمة واحدة و أنا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم إصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (ان الأرض یرثها عبادی الصالحون) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و إلى الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه‌چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین)

ولایت فقیه عادل

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الأمور بید العلماء بالله الأئمة علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده، واحد بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب

در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم)

قضاء در قانون اساسی

مسئله قضاء در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و إذا حکمتهم بین الناس أن تحکموا بالعدل)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو- تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است

که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند؛ به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلنا أمة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس)

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بنیان‌گذار مکتب رهایی‌بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند؛ به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛
 - ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
 - ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛
 - ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع؛
 - ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛
 - ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:
- الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین؛
- ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛
- ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،
- قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی

۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ

استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور

۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد

رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه

۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و

مانند اینها

۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه

برای همه و تساوی عموم در برابر قانون

- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم
 ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم^۱

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» و «شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ»، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز

۱. اصل سابق: در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد، رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا، طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾.

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

به حکم آیه کریمه: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ﴾، همه مسلمانان یک اُمتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل

الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور

اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی

کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

فصل سوم- حقوق ملت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و

معنوی او

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و

حمایت از کودکان بی سرپرست

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

- ۴- ایجاد بیمه خاص یتیمان و زنان سالخورده و بی سرپرست
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم

هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل و یکم

هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم - اقتصاد و امور مالی

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار

بخش دوم

اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران:

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۵ - شماره: ۱/۱۱۴۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرای قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های گذشته که برخلاف موازین اسلام است و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، به خصوص با توجه به اصل چهارم و اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست. این نظر به شورای عالی قضایی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف اسلام، منسوخ و محاکم موظفند طبق اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله شورای عالی قضایی طبق فتوای امام استخراج و به دادرها و دادگاه‌های انقلاب و دادرها و دادگاه‌های دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی جلوی اجرای احکام خلاف اسلام گرفته شود. خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمائید.

از طرف شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران - عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۱۹۸۳ - تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۸

شورای محترم عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۴۳ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۵، موضوع در جلسات شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده

فقه‌های شورای نگهبان است. بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضایی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضایی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهاء شورای نگهبان ارسال دارد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به ملاک و مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۶)، ص ۳۶۸.

۳- نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مشروعیت اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه از بیگانگان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۴۳)، ص ۱۳۶.

۴- نظریه‌های تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳، شماره ۴۸۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۰ و شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ در پاسخ به استفسار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به حدود صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی و اعتبار مصوبات آن از جهت شرعی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۱۲)، ص ۴۰۲.

۵- نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به زمان ترتب آثار ابطال بر مقررات دولتی مغایر شناخته شده با موازین شرع:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۷۰)، ص ۶۱۱.

۶- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۱)، ص ۳۴۱.

- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی

۱- نظر شماره ۶۹۰۳ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۶ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس کل بانک مرکزی نسبت به انطباق آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) با قانون اساسی و شرع:

شماره: ۳۳۴۴/هـ- تاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۵

شورای نگهبان قانون اساسی

یک نسخه فتوکی «آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن»^۱ که در چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶

۱. آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن
ماده ۱- از لحاظ این آیین‌نامه اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می‌گردد که مفاد آن حاکی از بدهی ناشی از معاملات تجاری باشد.

ماده ۲- بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت واحدهای تولید و بازرگانی و خدماتی اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط این آیین‌نامه تنزیل نمایند.

ماده ۳- بانک‌ها موظفند قبل از تنزیل اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین اطمینان حاصل نمایند.

ماده ۴- بانک‌ها مکلفند قبل از تنزیل اسناد و اوراق تجاری، از معتبر بودن متعهد دین اطمینان حاصل نمایند.

ماده ۵- تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط بانک‌ها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق از یک سال تجاوز ننماید.

ماده ۶- بانک‌ها می‌توانند اوراق و اسناد تجاری را به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آنها تنزیل نمایند. در هر حال این تفاوت قیمت نمی‌تواند بیش از دوازده درصد باشد.

تبصره- مبلغ اسمی، رقمی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از میزان دین می‌باشد.

ماده ۷- میزان تعهدات هر شخص حقیقی و یا حقوقی ناشی از تنزیل اسناد و اوراق تجاری برابر با پنج درصد مجموع سرمایه و اندوخته‌های هر بانک تعیین می‌گردد، مشروط بر اینکه از

شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده است، برای ملاحظه و اظهار نظر به پیوست ایفاد می‌گردد.

رئیس کل بانک مرکزی ایران - محسن نوربخش

شماره: ۶۹۰۳ - تاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۶

بانک مرکزی ایران

عطف به نامه شماره ۳۳۴۴/ه مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۵، آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) مصوب جلسه چهارصد و هفتاد و یکمین مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اکثریت آراء مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد. بدیهی است این نظر، کل قانون مورد استناد را شامل نمی‌شود.

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظر شماره ۹۱۱۲ مورخ ۱۳۶۶/۶/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مشروعیت نظارت سازمان حسابرسی بر بنیاد مستضعفان:

شماره: ۶۸۲۰۴ - تاریخ: ۱۳۶۶/۶/۱۶

[شورای محترم نگهبان]

با ایفاد تصویر نامه شماره ۴۰۷۴ مورخ ۱۳۶۶/۶/۳ مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان^۱ و نظر به اینکه بر اساس حکم مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۵۷ حضرت امام امت مدظله العالی

→

یک میلیارد ریال تجاوز ننماید.

ماده ۸- حداکثر مجموع مبلغ تنزیل اسناد و اوراق تجاری توسط هر بانک معادل پنج درصد سپرده‌های غیردولتی آن بانک در پایان سال قبل تعیین می‌گردد.

ماده ۹- این آیین‌نامه به استناد بند (۳) ماده (۳۴) قانون پولی و بانکی در نه ماده و یک تبصره در چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ به تصویب رسید.

۱.

شماره: ۴۰۷۴ - تاریخ: ۱۳۶۶/۶/۲

برادر میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم و نماینده مقام معظم ولایت فقیه در بنیاد مستضعفان

سلام علیکم

←

اموال بنیاد مستضعفان ارتباطی به دولت ندارد، خواهشمند است با توجه به اصول ۴ و ۹۶ قانون اساسی در خصوص ذکر نام بنیاد مستضعفان در بند (الف) ماده (۷) اساسنامه سازمان حسابرسی که به موجب آن انجام وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی بنیاد مستضعفان و کلیه شرکت‌های تحت پوشش آن به عهده سازمانی وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی محول گردیده اظهار نظر نمایند.

عنایت دارند سازمان حسابرسی به موجب قانون تشکیل مصوب ۶۲/۱۰/۵ وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی است و هم اکنون اساسنامه آن جهت رفع ایراد شماره ۸۸۹۰ مورخ ۶۶/۴/۲۷ آن شورای محترم،^۱ در مجلس مطرح است.

→

پیرو نامه شماره ۳۹۲۳ مورخ ۱۳۶۶/۵/۲۶ به استحضار می‌رساند: با وجود آنکه حضرت امام خمینی مد ظله العالی مسئله دولتی نبودن بنیاد مستضعفان را در فرمان تشکیل بنیاد مستضعفان تصریح فرموده‌اند، اخیراً وظیفه حسابرسی و بازرسی این نهاد و واحدهای تحت پوشش آن طبق قانونی در شرف تصویب نهایی می‌باشد، به عهده سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران (وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی) گذاشته شده و بنیاد مستضعفان در این قانون در شمار دستگاه‌های دولتی قرار گرفته است. از آنجا که اداره امور بنیاد مستضعفان در اختیار حضرت امام امت می‌باشد و به منظور اعمال نظارت مورد نیاز (امر حسابرسی و بازرسی بنیاد و واحدهای تحت پوشش آن) مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان با تأیید شهید گرانقدر رجایی نماینده وقت ولایت فقیه تشکیل گردیده، لذا خواهشمند است موافقت فرمایید این موضوع به استحضار اعضای محترم شورای نگهبان برسد تا به استناد حکم تشکیل بنیاد مستضعفان، عبارت «بنیاد مستضعفان» از بند (الف) ماده (۷) اساسنامه و بند (۱) تبصره (۲) قانون تشکیل سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران حذف گردد.

من الله توفیق و علیه التکلان- شورای عالی مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان

۱.

شماره: ۸۸۹۰- تاریخ: ۱۳۶۶/۴/۲۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه‌های شماره ۲۸۷۶-ق مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۷ و شماره ۲۸۱۰-ق مورخ ۱۳۶۶/۴/۶ و پیرو نامه شماره ۸۵۸۰ مورخ ۱۳۶۶/۴/۱۰، لایحه اساسنامه سازمان حسابرسی که پس از ایراد مورخ ۱۳۶۶/۴/۱۰ شورای نگهبان مجدداً در جلسه روز پنجشنبه بیست و پنجم تیرماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی با تغییراتی به تصویب رسیده است، در شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت، اینک نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:
«در مورد امور حسابرسی، نظر شورای نگهبان تأمین نشده است.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

طبیعی است در صورتی که از نظر آن شورای محترم مراتب واجد ایراد باشد، ذکر نام بنیاد در بند یک تبصره دو قانون تشکیل سازمان حسابرسی موردی نداشته و قابل استناد نمی‌باشد.

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۹۱۱۲ - تاریخ: ۱۳۶۶/۶/۱۹

جناب آقای موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۶۸۲۰۴ مورخ ۶۶/۶/۱۶، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بررسی شد و مغایرت آن با موازین شرعی، رأی کافی نیامد.

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظر شماره ۱۴۰۰ مورخ ۱۳۶۸/۹/۲۲ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس کمیسیون نهادهای انقلاب مجلس نسبت به نحوه وضع قانون برای بنیاد مستضعفان و جانبازان که از نهادهای زیر نظر مقام رهبری است:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۵۷)، ص ۱۸۵.

۴- نظر شماره ۱۲۰۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۹ شورای نگهبان مبنی بر اعلام آمادگی این شورا جهت بررسی و انطباق قوانین مصوب پیش از انقلاب اسلامی با موازین شرع، در پاسخ به درخواست جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

شماره: ۲۳۱/۹۰۸/ج - تاریخ: ۱۳۶۹/۹/۱۷

حضرات فقه‌های محترم شورای نگهبان دامت تأییداتهم

پس از سلام و تحیت

همه می‌دانیم که هدف اساسی انقلاب اسلامی مردم، استقرار نظام و حکومت الهی و پیاده شدن احکام اسلام عزیز است. و متأسفانه در بسیاری از موارد که قوانین نظام سابق ملاک عمل است، مواردی بر خلاف موازین شرع مقدس یافت می‌شود که اصل چهارم قانون اساسی تشخیص و تصمیم‌گیری در این موارد را به عهده فقه‌های شورای نگهبان گذاشته است.

در جلسه‌ای که روز پنج‌شنبه ۶۹/۹/۸ با حضور حدود (۲۰) نفر از اعضای جامعه